

توسعه «فلسفه علم»؛ زمینه‌ساز اسلامی‌سازی علوم

به باور عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) برنامه‌هایی که برای علوم انسانی تدوین شده، باید مورد بازنگری قرار بگیرد و این مبانی را فلسفه به علوم دیگر می‌تواند القاء کند؛ لذا گسترش رشته‌هایی همچون «فلسفه علم» یکی از راه‌کارهای اسلامی‌سازی علوم است.



به باور عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) برنامه‌هایی که برای علوم انسانی تدوین شده، باید مورد بازنگری قرار بگیرد و این مبانی را فلسفه به علوم دیگر می‌تواند القاء کند؛ لذا گسترش رشته‌هایی همچون «فلسفه علم» یکی از راه‌کارهای اسلامی‌سازی علوم است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این‌که روحیه دینی داشتن توسط دانشمندان و رنگ و بوی دینی دادن به علوم می‌تواند علوم را متصف به صفت اسلامی کند، اظهار کرد: برخی تصور می‌کنند که اسلامی‌بودن یا اسلامی‌شدن علوم به این معناست که ما از قرآن و روایات اسلامی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و امثال این علوم را استخراج کنیم.

وی ادامه داد: این افراد بیان می‌کنند که پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) مأمور بوده‌اند که افزون بر این‌که انسان‌ها را هدایت کنند و معارف دینی را به آن‌ها ابلاغ کنند و تعلیم بدهند، وظیفه هم داشته‌اند که به آن‌ها فیزیک، شیمی و ریاضیات هم بیاموزند؛ بنابراین، گزاره‌های این علوم را از متون دینی می‌توان استخراج کرد.

علیزاده با بیان این‌که به این معنا که چنین افرادی ادعا می‌کنند، این علمی که از فیزیک و ریاضی و... در حال حاضر در دست ماست، قطعاً اسلامی نیستند، عنوان کرد: ما از قرآن و روایات نمی‌توانیم علم روان‌شناسی یا علم جامعه‌شناسی استخراج کنیم. البته تک‌گزاره‌هایی وجود دارد که به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مربوط می‌شود، اما آن اندازه نیست که بتوان با آن‌ها یک رشته علمی تأسیس کرد. در آموزه‌های دینی ما چیزی نداریم که بتوانیم با آن رشته پزشکی تأسیس کنیم.

وی تأکید کرد: گرچه برخی با توجه به این‌که روایات پزشکی زیادی داریم، معتقدند که چنین چیزی می‌توان از روایات استخراج کرد؛ گفته می‌شود که حدود چهار هزار روایت پزشکی داریم و کتاب‌هایی همچون طب‌الصادق(ع) و طب‌الباقر(ع) و امثال آن هم تدوین شده است. به هر حال، درست است که چنین مسائلی وجود دارد، اما این‌ها ربطی به وحی ندارد. باید توجه داشت که پیامبر اکرم(ص) یک مأمور الهی از جانب خدا بوده است و مأموریت داشته که وحی را دریافت کرده، حفظ کند و بدون این‌که فهم خودش را در آن دخالت دهد، - یعنی در اخذ و ابلاغ وحی عصمت داشته باشد - آن‌را به انسان‌ها برساند.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با اشاره به بُعدی از زندگی پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) تأکید کرد: آن بزرگواران به هر حال یک شهروند مانند شهروندان دیگر بودند و برای فرزندان‌شان پدر، برای همسرانشان شوهر بودند و زندگی عادی اجتماعی خودشان را داشتند. گاهی مسلمانان صدر اسلام توقعات بی‌جایی از پیامبر اکرم(ص) داشتند؛ برخی مسلمانان صدر اسلام انتظار داشتند که به‌عنوان مثال، غذای او با غذای مردم عادی تفاوت کند یا ابعاد دیگر زندگی ایشان مانند مردم عادی نباشد؛ لذا آیه آمد که «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ؛ بگو من هم مثل شما بشری هستم و[لی] به من وحی می‌شود». (سوره مبارکه کهف، آیه شریفه 110)

علیزاده تصریح کرد: به‌همین دلیل گاهی که پیامبر اکرم(ص) درباره مسئله‌ای اظهار نظر می‌کردند، مردم سؤال می‌کردند که آیا این مربوط به «يُوحَىٰ إِلَيَّ» است یا مربوط به «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ». اگر مربوط به جنبه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» می‌شد، مردم می‌فهمیدند که درباره آن مسئله، خودشان نیز می‌توانند اظهار نظر کنند و اظهار نظر می‌کردند. پیامبر اکرم(ص) هم آن‌ها را طوری تربیت کرده بودند که در آن زمینه‌ها اظهار نظر کنند، حتی گاهی پیامبر اکرم(ص) نظر آن‌ها را بر نظر خود ترجیح می‌دادند.

این پژوهشگر با بیان این‌که برخی مسائل هست که هرچه افراد بشر عقول خود را جمع کنند، نمی‌توانند آن را حل کنند، تصریح کرد: در چنین مسائلی است که انسان به دین احتیاج پیدا می‌کند و به‌سراغ پیامبران(ع) می‌رود. مسائلی همچون: سعادت آدمی به چیست؟ معنای زندگی به چه چیزی است؟ با عقل آدمی قابل پاسخ‌گویی نیست و در اینجاست که فقط دین می‌تواند به انسان پاسخ

وی عنوان کرد: با توجه به مسائلی که ذکر شد، می‌توان علم اسلامی‌انسانی داشت و حتی علوم دیگر نیز می‌توانند اسلامی باشند و این بستگی به روحیه عالمان آن علوم دارد که جهان‌بینی دینی داشته باشند و از آگاهی‌های دینی برخوردار باشند و ورود و خروجشان به علم، ورود و خروج دین‌مدارانه و مبتنی بر مبانی دینی باشد.

این محقق علوم دینی تأکید کرد: یکی از نتایج علوم انسانی اسلامی، به بار آمدن جامعه‌ای سامان‌مند و راضی است. جامعه را می‌توان با به‌کار بردن و کاربردی‌کردن علوم انسانی اسلامی به وضعیتی رساند که جامعه ضمن سامان‌مند بودن، از افرادی تشکیل شده باشد که واجد رضایت باشند، هم از دیگران و هم از خودشان راضی باشند. مسئله رضایت باطن بسیار بااهمیت است و موجب حاکم‌شدن آرامش خاصی در جامعه و بر افراد جامعه می‌شود.

وی با بیان این‌که نظام اخلاقی که همه انسان‌ها آن باور را دارند، نشان‌گر وضع مطلوبی است که در پرتو سعی و تلاش خودشان محقق می‌شود و انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند به وضع مطلوب و مورد نظرشان برسند، گفت: اساساً ادیان و به‌ویژه دین اسلام آمده است تا راه رسیدن به این وضع مطلوب را به ما نشان دهد. اگر علوم انسانی اسلامی شکل گرفته، کاربردی شود و توسط رسانه‌ها ترویج عمومی نیز پیدا کند و منحصر در دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک نباشد، آن آرامش و رضایت خاطر در اذهان افراد جامعه مستقر خواهد شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) اضافه کرد: بنده به نظریه‌ای که یکی از فیلسوفان غربی مطرح کرده است، خیلی اعتقاد دارم. او بیان می‌کند که برای رسیدن به وضع مطلوب سه نوع نیرو در جامعه باید کار کنند و آن سه گروه به‌ترتیب باید عمل کنند. گروه اول، برای رساندن مردم جامعه به وضع مطلوب، نیروهای آگاهاننده هستند؛ یعنی وظیفه آگاهی‌بخشی به افراد جامعه بر عهده آن‌هاست.

علیزاده ادامه داد: آن‌ها به مردم جامعه می‌گویند که وضع موجود، چه بدی‌هایی دارد و ضمن آسیب‌شناسی وضع موجود، ویژگی‌های وضع مطلوب و راه رسیدن به آن‌ها را نشان می‌دهند. بسیاری از انسان‌ها اگر در وضع موجودشان متوقف شده‌اند و نمی‌خواهند از آن وضع خارج شوند و به‌تعبیری ضعف اراده دارند، به‌جهت ناآگاهی آن‌هاست. اگر آن‌ها آگاهی پیدا کنند، به‌سمت وضع مطلوب می‌آیند.

وی با اشاره به گروه دوم، گفت: آن‌ها نیروهای برانگیزاننده در جامعه هستند که برای غلبه بر ضعف اراده فعالیت می‌کنند؛ یعنی به تشویق کسانی که راه مطلوب را انتخاب کرده‌اند، می‌پردازند. از این طریق در افرادی که ضعف اراده دارند، انگیزه ایجاد می‌شود و آن‌ها نیز به‌سوی راه مطلوب حرکت می‌کنند. این نیروهای برانگیزاننده اخیراً در جامعه ما خیلی فعال شده‌اند، گروه‌های مختلفی هستند که مقدار زیادی بودجه صرف جوایز مختلفی می‌کنند، به ورزشکاران، هنرمندان و ... جایزه می‌دهند. این‌ها تأثیر بر انسان‌هایی که می‌دانند وضع خوب چیست، اما به‌دلیل ضعف اراده به‌سوی وضع خوب حرکت نمی‌کنند، تأثیر می‌گذارد.

علیزاده اظهار کرد: سومین گروه، نیروهای بازدارنده هستند. توجیه این نیروها برای فعالیت‌شان این است که بعد از آگاه‌شدن و بعد از این‌که نیروهای برانگیزاننده کار خودشان را انجام دادند، تعداد بسیار اندکی از مردم هستند که با وجود این‌که آگاهی دارند، و انگیزه‌های لازم هم در جامعه وجود دارد، اما باز هم به‌سوی وضع مطلوب حرکت نمی‌کنند، با این افراد باید برخورد شود و نیروهای بازدارنده می‌تواند این کار را انجام دهد و قوه قضائیه هر کشوری جلوه اصلی این نیرو است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با بیان این‌که به لحاظ منطقی ابتدا باید نیروهای آگاهاننده فعالیت کنند، عنوان کرد: مراکز هم‌چون مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، رسانه‌ها اعم از رادیو و تلویزیون، اینترنت، مطبوعات و ... باید در این راستا عمل کنند و اگر آگاهی‌های لازم به جامعه داده نشده باشد، این ضعف متوجه چنین مراکز است و این مراکز باید نقد شوند. همچنین فعال‌کردن نیروهای نقدکننده باید در این بخش مورد توجه قرار بگیرد.

وی با بیان این‌که نقد در جامعه ما ضعیف است و این مسئله به نیروهای آگاهاننده بازمی‌گردد، تأکید کرد: نیروهای آگاهاننده اولاً باید نقد را تعریف کنند، متأسفانه تا صحبت از نقد می‌شود، اذهان به‌سوی مچ‌گیری می‌رود، هم کسانی که می‌خواهند نقد شوند و هم کسانی که نقد می‌کنند، برداشت بدی از نقدکردن دارند.

علیزاده تصریح کرد: متأسفانه نقدکردن در جامعه ما فقط این است که نقاط ضعف را برجسته می‌کنند در حالی‌که نقد به‌معنای ارزیابی و بهای چیزی را معلوم کردن است. نقد کردن؛ یعنی نقاط قوت و ضعف چیزی را نشان دادن. یعنی ناقد باید ابتدا نقاط قوت را ذکر و آن‌ها را تشویق کند و سپس به بیان نقاط ضعف بپردازد. نیروهای برانگیزاننده باید در یک چارچوب هدفمند به برانگیختن افراد جامعه برای حرکت به‌سوی وضع مطلوب فعالیت کنند.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که برنامه‌هایی که برای علوم انسانی تدوین شده، باید مورد بازنگری قرار بگیرد، اظهار کرد: این مبانی را فلسفه به علوم دیگر می‌تواند القاء کند و به‌نظر من برای تمام رشته‌ها باید فلسفه یکی از مواد درسی باشد. کمال هر علمی وقتی است که ما با فلسفه آن علم آشنا شده باشیم. به‌عنوان نمونه اگر شخصی دکترای فیزیک می‌گیرد، باید فلسفه فیزیک هم خوانده باشد، شخصی که دکترای اقتصاد می‌گیرد، باید فلسفه اقتصاد نیز بخواند. شخصی که رشته اخلاق را می‌خواند باید حتما درسی با عنوان فلسفه اخلاق گذرانده باشد.

وی عنوان کرد: متأسفانه فلسفه علوم در برنامه‌های درسی ما وجود ندارد، البته جدیداً به این امر اعتنایی شده و در برخی رشته‌ها، فلسفه آن علم نیز جزء مواد درسی آن رشته قرار گرفته و اساساً رشته‌ای تحت عنوان «فلسفه علم» نیز پدید آمده است. منتهی هنوز فراگیر نشده است و تنها یک دانشگاه این رشته را اجرا می‌کند که در رابطه با اجرایش نیز نقدهایی هست و چون در جریان آن هستم، می‌دانم که اشکالاتی در کارشان وجود دارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) تأکید کرد: به‌هر روی، افزودن فلسفه علوم و حتی فلسفه محض به همه رشته‌های علمی کمک می‌کند به اسلامی‌شدن این دانش‌ها و این مبانی را از طریق فلسفه می‌توان به علوم انسانی تزریق کرد. ابتدا باید آن‌ها را که می‌خواهند علم را تولید کنند، آن‌ها باید ابتدا اسلامی شوند و ظرفیت لازم را پیدا کنند؛ یعنی آن فرد هم باید روحیه علم‌بینی پیدا کند و هم مبانی دینی را بداند و هم آموزه‌های دینی را بداند تا به این ترتیب، مبانی علمی که تولید می‌کند، مبانی دینی باشد تا بتواند روحیه و رنگ و بوی دینی را به آن علمی که تولید می‌کند، بدمد.

علیزاده با بیان این‌که در جامعه ما معمولاً علم در موقعیت‌هایی همچون نگارش پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری تولید می‌شود، گفت: اگر دانشجویان این مقاطع، این مبانی اسلامی را فراگرفته باشند و جان‌های اسلامی به‌وجود آمده باشد، این جان‌ها تولیدگر علم خواهند بود و این علوم می‌تواند اسلامی بشود. به اعتقاد من راه اسلامی‌سازی علوم این است و از طریق دستوری و با بخشنامه نمی‌شود علوم را اسلامی کرد.